

## ماهیت جرم و اقسام آن از حیث رکن قانونی

محمد عیسی امیری\*

### چکیده

منبع اصلی قوانین در هر دو کشور ایران و افغانستان، فقه است. یکی از مباحث مهم در حقوق جزا، تبیین دقیق ماهیت جرم است؛ زیرا برخی تفاوت‌های اساسی راجع به ماهیت جرم از منظر فقه و قانون وجود دارد. در تعریف جرم از نظر قانون، دو ویژگی ملاحظه شده است: یکی، ویژگی خصوصی جرم، از جهت ضرر و زیان شخص یا اشخاص معین، دیگری، ویژگی عمومی جرم از جهت ایجاد اخلال در نظم و امنیت عمومی. حال آنکه جرم در اصطلاح فقها به معنی سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس است که شامل هر فعل یا ترک فعلی می‌شود که دارای ضرر فردی، اجتماعی و یا حتی موجب ضرر و تباهی شخص مرتکب می‌شود مانند قتل، محاربه، نوشیدن مشروبات الکلی، ارتداد و... مبنای جرم از دیدگاه فقه که مبتنی بر کتاب و سنت است، در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارای مفهوم ثابت و لایتغیر است؛ در حالی که مفهوم قانونی جرم، قراردادی و اعتباری است و متناسب با شرایط و عوامل مختلف متغیر خواهد بود. تبیین صحیح ماهیت جرم در تشخیص مصادیق مجرمین تأثیر انکارناپذیری دارد و لازمه شناخت مجرم، معرفت به ماهیت جرم است و عنوان مجرم به شخصی اطلاق می‌شود که مرتکب جرمی شده باشد. پس بایستی اول جرم را شناخت تا مجرم شناخته شده و سپس به تعیین مجازات برای وی اقدام گردد. چرا که ترسیم نادرست و مبهم مرزهای یک ماهیت موجب می‌شود که بی‌گناهی مجازات شوند و چه بسیار گناهکارانی به سزای اعمال خود نرسند.

**واژگان کلیدی:** ماهیت جرم، مجرم، رکن قانونی، اقسام جرم، فقه.

\* . کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه واحد مشهد مقدس

## مقدمه

امنیت و قوام نظام یک جامعه وابسته به تشویق و پاداش نیکوکاران و تنبیه و کیفر هنجارشکنان و متخلفان از قانون است. از میان مکاتب مختلف فکری و حقوقی، مکتب حیات‌بخش اسلام با برنامه‌های تربیتی و اخلاقی و خودسازی از سویی و اصلاح محیط از سوی دیگر، کوشیده است عوامل و زمینه‌های جرم و گناه را از بین برده از وقوع هنجارشکنی و ظلم و جنایات پیش‌گیری نماید تا به‌جای سیستم تنبیه و مجازات بعد از ارتکاب جرم، به سیستم پیشگیری که هسته مرکزی آن را ایمان به خدا و تقوای الهی تشکیل می‌دهد و از پیدایش و گسترش هرگونه انحراف و فساد جلوگیری می‌کند، اهمیت بیشتری داده باشد.

هرچند عموماً افراد در جامعه اسلامی یا از تربیت والای انسانی و اسلامی برخوردارند و یا دست کم تحت تأثیر محیط جامعه دینی قرار دارند، ولی درعین حال، همواره هستند عده‌ای که هنجارهای یک جامعه دینی را بر نمی‌تابند و از هر فرصتی سوءاستفاده می‌کنند و دست به قانون‌شکنی و تجاوز به حقوق دیگران می‌زنند. اسلام برای درمان این بیماران و افراد نابهنجار جامعه، علاوه بر مجازات و عقاب شدید اخروی، در همین سرا نیز قوانینی کیفری مقرر داشته است تا این عده از بیم کیفر و مجازات، مرتکب جرائم و جنایات و اعمال خلاف قانون نشوند و در نتیجه، نظم و آرامش و تبعیت از هنجارهای دینی و اجتماعی برقرار شود. لازمه شناخت شخص مجرم، معرفت به ماهیت جرم است؛ زیرا عنوان مجرم به شخصی اطلاق می‌شود که مرتکب وقوع جرمی شده است از این‌رو قانون‌گذار اسلامی به تبعیت از آموزه‌های ناب و حیانی کوشیده است قوانینی را تدوین نماید که ماهیت و نوع واکنش به هر یک از جرائم برای همگان واضح و روشن باشد تا ضمن حفظ حقوق شهروندان از سوءاستفاده برخی فرصت‌طلبان از قانون جلوگیری نماید.

## فصل اول: مفهوم شناسی

ضروری است قبل از پرداختن به اصل مطلب، مفهوم جرم از منظر صاحب‌نظران و اندیشمندان لغت‌شناس و نیز فقها و حقوقدانان مورد ارزیابی قرار گیرد.

## مبحث اول: مفهوم جرم

### گفتار اول: جرم در لغت

جرم (معادل فارسی آن: بزه و در انگلیسی: offence/crime)، این واژه در اصل به معنای قطع کردن و بریدن است و از این رو برای این مفهوم به کار رفته که عمل واجب‌الوصل را قطع می‌کند و به معنای ارتکاب زشتی و گناه نیز آمده است.<sup>۱</sup> راغب اصفهانی می‌گوید: «جرم: اصل الجرم قطع الثمره عن الشجر... و استعیر ذلک لکل اکتساب مکروه». <sup>۲</sup> جرم در اصل به معنای جدا کردن میوه از درخت است و این واژه برای اکتساب هر کار ناپسند استعاره گرفته شده است و به معنای وادار کردن بر کاری ناپسند نیز اطلاق شده است.

### گفتار دوم: جرم در اصطلاح قرآن

قرآن کریم جرم را در مصادیق گسترده‌ای به کار برده است که شامل عملکرد مستکبران، ستمگران و منکران معاد هم می‌شود الفاظی مانند جرم، اثم، سیئه، خطیئه و ذنب و مشتقات آنکه به معنی کار زشت و ناپسند می‌باشد به کار رفته است. لفظ جرم در قرآن به صورت عموم به کار رفته و رفتار مجرمانه و عقاید و اخلاق انحرافی را نیز شامل می‌گردد. لفظ جرم در قرآن شامل گناهانی می‌شود که به لحاظ شدت و ضعف و قصد مرتکب و حالات گوناگون او ممکن است تحت یکی از عناوین فوق قابل طرح باشد.<sup>۳</sup>

### گفتار سوم: جرم در اصطلاح فقها

از بررسی و کنکاش در اقوال فقها و اندیشمندان اسلامی می‌توان دو معنای متفاوت برای جرم به دست آورد:

۱. عبد النبی قیم، فرهنگ معاصر، ص ۳۶۲.

۲. محمد بن حسین راغب اصفهانی، معجم الفاظ القرآن، ص ۱۹۲.

۳. علیرضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۱، صص ۶۵-۶۸.

۱- جرم به معنای عام: که عبارت است از ارتکاب هر فعل حرام یا ترک واجبی که شارع آن را ممنوع کرده است و مرتکب آن را مستحق کیفر دنیوی از جمله حدود یا قصاص یا تعزیر یا پرداخت دیه می‌داند، اعم از اینکه جرم علیه دیگران یا متوجه شخص مرتکب باشد. در این زمینه مرحوم امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس واجبی را ترک نماید، یا حرامی را مرتکب شود، پس برای امام علیه السلام و نایب امام این حق وجود دارد که او را تعزیر نماید، به شرط اینکه عمل شخص - در ترک واجب یا ارتکاب حرام - گناه کبیره باشد».

۲- جرم به معنای خاص: که عبارت است از هر نوع صدمه و تجاوز ناحق نسبت به جسم و جان دیگری یا تعرض نسبت به مرده که مرتکب آن به قصاص نفس یا قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌گردد که از آن به جنایت بر نفس یا عضو یا جنایت بر مرده تعبیر شده است. مرحوم خوئی علیه السلام در مورد جنایت که منجر به قتل و در نهایت موجب قصاص می‌گردد می‌نویسد: «قصاص ثابت می‌شود با قتل نفس محترمه مکافئه در صورت تعمدی و عدوانی بودن آن و عمد نیز محقق می‌شود با قصد و بلوغ و...»<sup>۲</sup>

به‌طور کلی فقهای اسلامی تلاش نموده‌اند با توجه به منابع استنباط احکام، تعریف مشخصی از جرم ارائه نمایند؛ با این وجود غالباً تعریف جرم را برحسب مجازات مشخص نموده‌اند و نوعاً مرادف با جنایات و ذنب (گناه) گرفته‌اند. در کنفرانس «اجرای حقوق کیفری اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرائم»<sup>۳</sup> یکی از موضوعات مورد بحث تعریف جرم در شریعت

۱. الخامس - كل من ترك واجبا أو ارتكب حراما فلا إمام عليه السلام ونائبه تعزيره بشرط أن يكون من الكبائر، والتعزير دون الحد، وحده بنظر الحاكم، والأحوط له فيما لم يدل دليل على التقدير عدم التجاوز عن أقل الحدود؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷.

۲. یثبت القصاص بقتل النفس المحترمة المكافئة عمدا وعدوانا ويتحقق العمد بقصد البالغ العاقل القتل، ولو بما لا يكون قاتلا غالبا فيما إذا ترتب القتل عليه بل الأظهر تحقق العمد بقصد ما يكون قاتلا عادة، وإن لم يكن قاصدا القتل ابتداءا، وأما إذا لم يكن قاصدا القتل ولم يكن الفعل قاتلا عادة كما إذا ضربه بعود خفيف أو رماه بحصاة فاتفق موته لم يتحقق به موجب القصاص. السيد الخوئي، تکملة منهاج الصالحين، ص ۵۹، مسأله ۱.

۳. این کنفرانس در کشور عربستان واز تاریخ ۱۷ تا ۲۱ مهر ۱۳۵۵ تشکیل شد.

اسلام بود که به این تعریف منجر شد: «مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد».<sup>۱</sup>

### گفتار چهارم: در اصطلاح حقوق دانان

از دیدگاه اندیشمندان حقوق جزا، جرم، فعل یا ترکی است که از شخص مسئولی سر زده و قانون گذار برای آن، مجازاتی را در نظر گرفته است. به بیان دیگر: «عملی است که قانون آن را از طریق تعیین کیفر منع کرده باشد».<sup>۲</sup> از این رو، اولاً، مقصود از جرم تنها فعل یا ترکی است که به جان، مال، ناموس و حیثیت دیگران لطمه‌ای وارد می‌آورد. ثانیاً، شامل همه جرائم اعم از جنایات عمدی و خطایی می‌گردد. لازم به یادآوری است که تعاریف حقوق دانان در مجموعه‌های قوانین لزوماً به شکل ارائه شده از سوی آنان نیامده و قانون گذار غالباً این تعاریف را از نظر قانونی مشخص می‌کند.

### مبحث دوم: مفهوم جرم از منظر قانون

یکی از اصول اساسی حقوق عمومی که امروزه در سطح جهان پذیرفته شده، این است که هیچ عملی نباید مورد دادرسی کیفری واقع شود، مگر اینکه پیش‌تر از طرف قانون بالصرافه پیش‌بینی شده باشد.<sup>۳</sup> به دیگر سخن مادامی که قانون گذار فعل یا ترک فعلی را جرم نشناسد و کیفر برای آن تعیین نکند، افعال انسان مباح است؛ بنابراین تحقق جرم و صدور حکم مجازات، منوط به نص صریح قانون است و چون بدون وجود قانون جرم محقق نمی‌شود می‌توان گفت قانون رکن لازم جرم است.<sup>۴</sup>

قوانین افغانستان از جمله قانون اساسی، بدون ارائه تعریف خاصی از ماهیت جرم، بر این نکته تصریح دارد که ملاک تشخیص جرم از غیر آن، قانون است و صدور حکم مجازات نیز

۱. رضا نور بهاء، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۳۶.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۹۱.

۳. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، ج ۱، ص ۴۵.

۴. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۱۲۶.

باید مطابق احکام قانون باشد: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی‌توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد»<sup>۱</sup>.

قانون جزا نیز بر همین اصل تأکید می‌ورزد: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به موجب قانون»<sup>۲</sup>. در ماده دیگر اشعار می‌دارد که: «هیچ کس را نمی‌توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام، نافذ گردیده باشد»<sup>۳</sup>.

در مقابل، قانون مجازات ایران تعریف روشن‌تری از جرم ارائه نموده است. ماده ۲ قانون مجازات عمومی ایران مصوب سال ۱۳۵۲ جرم را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد»؛ اما همین تعریف در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با تغییری چشمگیر پذیرفته شده است.<sup>۴</sup> علاوه بر مواد فوق در دو ماده ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات ۱۳۹۲ مجدداً این نکته تأکید شده است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۲، مصوب ۱۳۹۲ جرم را چنین تعریف می‌کند: «هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود». در ارتباط با این تعریف چند نکته قابل توجه است:

- ۱- هیچ عملی را نمی‌توان جرم به حساب آورد مگر اینکه نص قانونی وجود داشته باشد؛
- ۲- در جرم، صرفاً افعال مثبت، خلاف نیست، بلکه ترک فعلی که به موجب قانون ممنوع باشد، نیز جرم تلقی می‌شود.

۱. قانون اساسی ج. ۱. افغانستان، ماده ۲۷.

۲. قانون جزا، ماده ۲.

۳. قانون جزا، ماده ۳.

۴. رضا نور بها، پیشین، ص ۱۳۸.

تردید نیست که صراحت قانون در اصل جرم بودن فعل خاصی کافی نیست، بلکه این فعل باید تمام شرایط مصرح در قانون جزا را دارا باشد تا بتوان آن را جرم تلقی نمود. با دقت به این ماده می‌توان گفت این تعریف به تمام معنا بیانگر ماهیت جرم نیست؛ زیرا نسبت به قصد مرتکب و نقش آن توجهی نشده است، به دیگر سخن، قانون جزا تنها به اعمال مخل نظم اجتماعی توجه دارد، بدون آنکه کمتر اعتنایی به شخصیت مرتکب (بزهکار) داشته باشد... آنچه جامعه را تهدید می‌کند، فعل ضداجتماعی نیست بلکه انسانی است که با ارتکاب جرم خصوصیت ضداجتماعی در رفتار او متجلی شده است<sup>۱</sup>

از این رو بر طبق ظاهر ماده فوق اگر شخصی فعلی انجام دهد از نظر قانون جرم شناخته شود، مجرم تلقی شده و مستحق مجازات خواهد بود حتی اگر سهواً چنین فعلی از او سر زده باشد. مثلاً تخریب اموال دیگران از نظر قانون جرم است، پس اگر کسی به‌طور اتفاقی اموال دیگری را تخریب کند بر طبق این تعریف مجرم محسوب می‌گردد. تردیدی نیست که چنین طرز تلقی از جرم موجب پیدایش پیامدهای ناخوشایندی در جامعه خواهد شد بدین جهت حقوق دانان برای احتراز از ایجاد چنین وضعیتی وجود عنصر معنوی را علاوه بر عناصر مادی و قانونی در جرائم ضروری دانسته‌اند؛ زیرا اغلب در تعیین مصادیق جرم و مجرم بیشترین اختلافات در تحقق عنصر معنوی جرم به وجود می‌آید. از این رو، اندیشمندان حقوق جزا، جرم را به فعل یا ترکی اطلاق می‌کنند که از شخص مسئولی سرزده و قانون‌گذار برای آن، مجازاتی را در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد اضافه شدن این نکته که عمل ارتكابی از ناحیه فرد مسئول سر زده باشد می‌تواند تا حدود زیادی بحث عنصر معنوی را که نقش اساسی در تحقق یک جرم دارد حل می‌نماید، در نتیجه مقصود از جرم، فعل یا ترکی است که از ناحیه شخص دارای مسئولیت به جان، مال، ناموس و حیثیت دیگران لطمه آورد و شامل همه جرائم می‌شود چه جنایت ارتكابی عمدی باشد یا خطایی.

۱. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۱.

## مبحث سوم: تفاوت جرم در فقه و حقوق موضوعه

بین تعریف قانونی جرم و تعریف فقهی آن از جنبه‌های مختلف تفاوت وجود دارد که صرفاً به دو مورد آن اشاره می‌گردد:

۱- در تعریف جرم از نظر قانون، دو ویژگی ملاحظه شده است: یکی، ویژگی خصوصی جرم، از آن جهت که وقوع جرم موجب ضرر و زیان شخص یا اشخاص معینی می‌شود. دیگری، ویژگی عمومی جرم از آن جهت که ارتکاب آن محل نظم و تجاوز به حقوق عمومی است. حال آنکه جرم در اصطلاح فقها به معنی «گناه و معصیت» است و آن عبارت است از سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس که شامل هر فعل یا ترک فعلی می‌شود که دارای ضرر فردی یا اجتماعی است و یا حتی موجب ضرر و زیان و تباهی شخص مرتکب می‌شود مانند نوشیدن مشروبات الکلی، ارتداد، ترک بعضی از واجبات و...، برخلاف حقوق جزا که گناهی با مفاسد شخصی را مورد توجه قرار نداده است.

۲- مبنای گناه و معصیت، کتاب و سنت است که مبتنی بر وحی و احکام الهی است و در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارای مفهوم ثابت و لایتغیر است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را تغییر دهد در حالی که مفهوم قانونی جرم، قراردادی و اعتباری است و متناسب با شرایط و عوامل مختلف در هر عصر و زمانی متغیر خواهد بود؛ بنابراین، موضوع جرم در اصطلاح فقهی که اعم از گناه و جنایات است، با موضوع حقوق جزای عرفی، اعم و اخص مطلق است؛ زیرا علاوه بر اینکه شامل گناهان دارای مفسده اجتماعی اعم از جنایات عمدی و خطایی می‌شود، گناهی دارای مفسد شخصی را نیز شامل می‌شود؛ در حالی که در تعریف قانونی به مفسده شخصی توجهی ندارد.

## فصل دوم: ارکان عمومی و قانونی جرم

عناصر ضروری و لازم برای تحقق جرم را تحت عنوان عناصر عمومی جرم سه چیز برشمرده‌اند: عنصر مادی، عنصر قانونی و عنصر معنوی.



الف) عنصر مادی: عبارت است از ترک یا فعلی که به صورت عمل یا قول از مرتکب سر بزند؛ مانند ایراد ضرب و جرح به دیگری یا خودداری از پرداخت نفقه زوجه یا اهانت به دیگری. در غیر این صورت نمی‌توان او را مجرم دانست؛ بنابراین اگر شخصی دیگری را ترغیب به عمل مجرمانه‌ای نماید، کسی مسئولیت دارد که فعل یا ترک فعل از او صورت گرفته است.

ب) عنصر قانونی: فعل یا ترک فعل صورت گرفته، بایستی از منظر قانون جرم شناخته شود پس اگر شخصی عملی انجام دهد که در قانون بر آن جرم اطلاق نشود عمل ارتكابی عنوان مجرمیت ندارد. بدین جهت در اغلب مواد قانونی برای وقوع عمل مجرمانه‌ای شرایطی در نظر گرفته شده است که بدون وجود یکی از آنها جرم محقق نبوده است؛ بنابراین برای تفسیر از مواد قانون جزا باید به قدر متیقن اکتفا کرد و در صورتی که فعل یا ترک فعلی از جهت درج در قانون مشتبه باشد نباید آن را عمل مجرمانه دانست.

ج) عنصر معنوی: چنانچه فعل یا ترک فعلی توسط شخصی صورت گرفت به صرف اینکه در قانون عنوان جرم داشته باشد نمی‌توان مرتکب را مجرم تلقی کرد، برای تحقق یک جرم باید عنصر معنوی وجود داشته باشد؛ یعنی مرتکب باید عمل خود را با قصد مجرمانه و سوءنیت که عبارت از تمایل به انجام عملی که قانون آن را نهی کرده است، انجام دهد. در غیر این صورت نمی‌توان او را مجرم شناخت.

بنابراین جرم علاوه بر اینکه جنبه مادی و قانونی دارد، جنبه شخصی و معنوی آن غلبه بیشتری داشته و اغلب در تعیین مصادیق جرم و مجرم بیشترین تردیدها و اختلافات در تحقق عنصر معنوی جرم وجود دارد.

### مبحث اول: رکن قانونی جرم

مراد از قانونی بودن جرم آن است که مادامی که قانون‌گذار عمل یا ترک عملی را امر یا نهی نکرده باشد، جرم محسوب نمی‌شود و قابل مجازات نیست. قانون جزای افغانستان اعلام

می‌دارد: «عنصر قانونی جرم عبارت است از تصریح اعمال جرمی و جزاهای آن در قانون».<sup>۱</sup> این معنی با قاعده «اصالة الصحه» که در فقه جایگاه ویژه‌ای دارد، سازگار و منطبق است. در ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی اشاره به آزادی تن افراد شده است که محدودیت آن را به هر شکل رد می‌کند مگر به موجب قانون. انجام شکنجه، تحقیر و سایر اعمالی از این قبیل را این ماده نفی می‌کند.<sup>۲</sup>

همین معنی در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصریح شده است: «قانون منحصرأ مجازاتی را پیش‌بینی می‌کند که وضوحاً و یقیناً ضرورت دارد و کسی نباید مجازات شود مگر به موجب مقرراتی که قبل از ارتکاب آن تصویب و منتشر شده باشد...». این در حالی است که اسلام، چهارده قرن پیش از این اعلامیه جهانی، حقوق بشر را به شکل واضح و روشن‌تری بیان نموده، آنجا که می‌فرماید:

«ما هیچ‌کس را مجازات نمی‌کنیم مگر اینکه پیامبری را بفرستیم».<sup>۳</sup>

«خداوند هیچ قومی غافل و جاهل را هلاک نمی‌کند مگر اینکه از قبل به آن‌ها اتمام حجت کرده باشد»<sup>۴</sup>

«خداوند هیچ‌کس را جز به آنچه توانایی داده مکلف نمی‌کند».<sup>۵</sup>

و نیز حدیث نبوی معروف به حدیث رفع که می‌فرماید: «از جمله چیزهای که مؤاخذه آن از امت برداشته شده است اموری است که بدان علم ندارند و...».<sup>۶</sup>

۱. قانون جزا، ماده ۳۷.

۲. علیرضا میلانی، نگرش بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، ص ۱۹۶.

۳. «وما كنا معذبين حتى نبعث رسولا»، اسراء، ۱۵.

۴. «ذلك ان لم يكن ريبك مهلك القرى بظلم وأهلها غافلون»؛ الانعام، ۱۳۱.

۵. «لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ طلاق، ۷.

۶. «أن ابي عبدالله عليه السلام، قال: قال رسول الله ۶: رفع عن أمتي تسعة: الخطأ، والنسيان، وما أكرهوا عليه، وما لا يطيقون، وما لا يعلمون، وما اضطروا إليه، والحسد، والطيرة، والتفكر في الوسوسة في الخلق ما لم ينطق بشقه».

محمد بن علی بن حسین ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) التوحید، ص ۳۵۳، ح ۲۴.

## مبحث دوم: سابقه قانونی بودن جرم

از آنجا که اصل «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» یک اصل اساسی است که امروزه تقریباً تمامی مکاتب حقوقی آن را پذیرفته‌اند و در قوانین داخلی اغلب کشورها و منشورهای بین‌المللی بدان تصریح شده است و قبل از همه مکتب اسلام بر آن اهتمام ویژه دارد و تخطی از آن را تعرض به کرامت و ارزش ذاتی انسان می‌دانند؛ قوانین کشورهای ایران و افغانستان نیز بر اصل قانونی بودن آن تأکید ورزیده است.

اولین قانون ماهوی در ایران در سال ۱۲۹۶ ق در زمان ناصرالدین‌شاه تدوین گردید که به کتابچه قانون کنت<sup>۱</sup> مشهور بود و وظایف پلیس را تشریح می‌کرد. در تاریخ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ ق پس امضای فرمان مشروطیت، مجلس ملی قانون اساسی را تصویب می‌کند که در این قانون چند اصلی وجود دارد که ناظر بر اصل قانونی بودن جرائم مجازات‌ها است. هرچند این اصل به‌طور رسمی در مواد قانونی ۲ و ۶ مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و نیز اصلاحیه آن در سال ۱۳۵۲ مورد پذیرش قرار گرفته است؛<sup>۲</sup> اما در قوانین پس از انقلاب اسلامی ایران، به‌موجب اصول ۳۶ و ۱۶۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی «نمی‌توان هیچ فعل یا ترکی را که در مقررات و قوانین صریحاً جرم دانسته نشده باشد، جرم دانست».<sup>۳</sup> علاوه بر این دو ماده، مواد دیگری از قوانین نیز بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دلالت دارد، از جمله ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ماده ۲۸۹ قانون اصلاح آیین دادرسی کیفری.

قوانین افغانستان نیز بر اصل قانونی بودن جرائم مجازات‌ها صراحت دارد از جمله ماده دوم قانون جزا بر اصل قانونی بودن جرم و ماده سوم بر اصل قانونی بودن مجازات‌ها تصریح نموده است. مواد ۲۷ و ۳۷ این قانون نیز به تعریف عناصر قانون و مادی آن پرداخته است: «عناصر

۱. کنت دومنت فرت، تبعه ایتالیا که ریاست پلیس رادر زمان ناصرالدین شاه در ایران به عهده داشت.

۲. علیرضا میلانی، پیشین، ص ۴۰-۴۳.

۳. محمدعلی اردبیلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۳.

قانونی جرم عبارت است از تصریح اعمال جرمی و جزاهای آن در قانون<sup>۱</sup> و «عنصر مادی جرم عبارت از ارتکاب یا امتناع از عمل مخالف قانون است به نحوی که عمل منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت بین عمل و نتیجه موجود شده باشد»<sup>۲</sup>.

قانون اساسی نیز به عنوان اصلی ترین منبع قانونی کشور، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها را با صریح ترین بیان پذیرفته است:  
«هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد».

هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد»<sup>۳</sup>.

تقریباً عین همین عبارات در قانون اساسی دوران سلطنت محمد ظاهر مصوب سال ۱۳۴۳ در ماده ۲۶ می توان یافت.

### مبحث سوم: نتایج اصل قانونی بودن جرم

از توجه به عنصر قانونی و اصل قانونی بودن جرائم دو قاعده مهم به دست می آید که عبارت‌اند از:

#### گفتار اول: قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی

عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی، نتیجه ضروری اصل قانونی بودن جرائم مجازات‌ها است. تاریخ این قاعده در اروپا همانند اصل فوق، با انقلاب فرانسه شروع می شود؛ اما امروزه

۱. قانون جزاء، ماده ۳۷.

۲. قانون جزاء، ماده ۲۷.

۳. قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۷.

در اکثر کشورها پذیرفته شده است.<sup>۱</sup> معنای این قاعده این است که قوانین برای آینده تدوین گردیده و بر اعمال گذشته بار نمی‌شود. قاضی تنها در محدوده قوانینی که در زمان ارتکاب جرم وضع و اعلام شده باشد، می‌تواند متهم را تحت تعقیب جزایی قرار دهد و نمی‌تواند عملی را که سابقاً جرم نبوده، ولی به موجب قوانین لاحق جرم شناخته شده است، جرم تلقی نموده و مرتکب را تحت تعقیب جزایی قرار دهد.

در قوانین ایران - به عنوان نمونه - اصل ۱۶۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود» و قانون مدنی ایران نیز در ماده ۴ مقرر می‌دارد که: «قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد». قانون جزای افغانستان نیز تصریح می‌کند: مرتکب جرم به موجب قانونی مجازات می‌شود که در وقت ارتکاب فعل نافذ باشد.<sup>۲</sup>

### گفتار دوم: قاعده تفسیر مضیق یا محدود قوانین جزایی

این قاعده عبارت است از این که مفسر نباید از منطوق صریح قانون خارج شود و باید تفسیر خود را در چهارچوب الفاظ متن قانون منحصر کند و از قیاس به موارد مشابه و تسری مفاد قانون بپرهیزد و این بدین معناست که در هر موردی که قانون صریح نباشد، نباید حکمی علیه شخص صادر شود؛ زیرا به تعبیر منتسکیو، «قاضی بلندگوی قانون است و از قلم او جز صدای قانون نباید شنیده شود». وی از جمله کسانی بود که معتقد بود «متون قانونی باید صریح و روشن باشد و از کلی‌گویی در متن قانون بپرهیز شود... مضامین قانون باید طوری باشد که همه از آن یک مطلب را دریافت دارند و استنباط‌های گوناگون از آن ممکن نباشد».<sup>۳</sup>

۱. رضا نور بها، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. قانون جزا، ماده ۲۱.

۳. علیرضا میلانی، پیشین، ص ۳۷.

مطابق ماده ۳ آیین دادرسی مدنی سابق ایران، «دادگاه‌های دادگستری مکلف‌اند به دعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده حکم کنند» و مطابق ماده ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی، «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدون بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدون از رسیدگی به دعوی صدور حکم امتناع ورزد». ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد که «قضات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند، یا اصلاً قانونی در قضیه مطرح وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند بهانه نقض یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده به مجازات آن محکوم خواهند شد.»<sup>۱</sup>

ماده ۱۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان نیز بر این اصل تأکید می‌کند؛ به‌ویژه صدر این ماده مقرر می‌دارد: «محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می‌کنند». این فراز از ماده، قضات را مکلف می‌کند که در رسیدگی به دعاوی به این قانون به عنوان منبع اصلی مراجعه نمایند و آنگاه به قوانین عادی دیگر. چنانچه در قوانین موجود کشور حکمی یافت نشد بر اساس فراز بعدی این ماده به فقه حنفی در چارچوب این قانون مراجعه شود: «هرگاه برای قضیه‌ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل‌وفصل می‌نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید». عبارت «در حدودی که این قانون اساسی وضع نموده»، بیانگر تأکید بر اصل قانونی است.

۱. مجموعه قوانین دادگستری، ۱۳۷۹.

ماده ۱۳۱ این قانون - که مربوط به احوال شخصیه شیعیان این کشور است - نیز مؤید اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها است. این ماده اشعار می‌دارد: «محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می‌نمایند. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می‌نمایند».

در نهایت می‌توان گفت برای درک ماهیت جرم به بیان مشخصات قانونی جرم، آثار، نتایج و ویژگی‌های جرم از منظر قانون‌گذار مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا تنها قانون است که می‌تواند اعمال مخالف نظم و ارزش‌های حاکم بر جامعه را توصیف و برای ارتکاب آنها واکنش‌های متناسب در نظر بگیرد و هدف قانون‌گذار از تعریف جرم، برقراری نظم در جامعه و جلوگیری از رفتار مجرمانه است. بنابراین، جرم عبارت از انجام دادن یا خودداری از اعمالی است که مخالف با نظم عمومی و معیار با ارزش‌ها و ضوابط حاکم بر جامعه باشد و به‌عنوان یک مفهوم انسانی و قضائی در قالب قوانین جزائی مشخص می‌شود؛ بنابراین مادام که قانون‌گذار عملی را امر یا نهی نکرده باشد و عامل آن را قابل مجازات نداند، اشخاص در انجام آن عمل مجاز و آزاد می‌باشند.

### فصل سوم: طبقه‌بندی جرائم

جنایاتی که در اجتماع رخ می‌دهد، معمولاً جزو یکی از هفت نوع تجاوزی است که اسلام و به تبع آن قوانین موضوعه، در برابر آنها کیفر مقرر کرده است:

- ۱- تجاوز به عقیده و مکتب، مانند ارتداد و توهین به مقدسات؛
- ۲- تجاوز به اموال دیگران مانند دزدی؛
- ۳- تجاوز به جان افراد (نفس) مانند قتل و ضرب و جرح؛
- ۴- تجاوز به ناموس افراد، مانند زنا و لواط؛
- ۵- تجاوز به آبرو و حیثیت افراد مانند افترا و تهمت؛
- ۶- تجاوز با امنیت جامعه مانند ایجاد وحشت یا حمله مسلحانه (محارب)؛

۷- تجاوز به حقوق جامعه مانند اشاعه فحشا و گناه در جامعه<sup>۱</sup>

طبقه‌بندی جرائم و معیارهای مختلفی که مبنای تقسیم آن‌ها قرار می‌گیرد، از موضوعات مورد بحث در حقوق جزای عمومی است؛ اما اینکه جرم معینی در کدام یک از طبقات جای دارد از مواردی است که در حقوق جزای اختصاصی مشخص می‌گردد. در حقوق جزای اختصاصی گروه‌بندی جرائم از دو جهت مورد توجه قرار دارد:

الف- تعیین اینکه جرم در زمره حق‌الله است یا حق‌الناس.

ب- تعیین اینکه جرم در کدام یک از طبقات پنج‌گانه جرائم قرار دارد.

### مبحث اول: اقسام جرائم در قانون

ماده ۲ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲ ایران جرائم را به سه دسته تقسیم می‌نمود:

۱- جنایت ۲- جنحه ۳- خلاف. ماده ۸ همان قانون، مجازات‌های اصلی برای این جرائم عبارت‌اند از: ۱- اعدام ۲- حبس دائم ۳- حبس جنایی درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال و حبس جنایی درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال. قانون جزای افغانستان نیز جرائم را از حیث شدت و خفت به سه قسم جنایت، جنحه و قباحت دسته‌بندی می‌کند.<sup>۳</sup>

این در حالی است که قانون مجازات اسلامی به تبعیت از فقه اسلامی، جرائم را از نظر مورد تعدی و تجاوز و نیز نوع و میزان مجازات، به موجب ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به پنج قسم تقسیم نموده‌اند:

۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازات‌های بازدارنده.

۱. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رساله نوین، ج ۴، ص ۳۱۶.

۲. جرمی است که مرتکب آن به حبس از (۲۴) ساعت الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم گردد.

۳. قانون جزا، ماده ۲۳.



قوانین موضوعه جرائم را از جهات مختلف طبقه‌بندی نموده است که به اختصار یادآوری می‌شود:

۱. طبقه‌بندی از لحاظ شدت و ضعف: جنایت، جنحه و خلاف در قانون مجازات قدیم؛
۲. طبقه‌بندی به جرائم عمومی و نظامی؛
۳. طبقه‌بندی به جرائم عمومی و جرائم خصوصی؛ جرائم عمومی و جرائمی است که جنبه عمومی دارد، هرچند غالباً افراد متضرر هستند؛ ولی شکایت آن‌ها، تنها موجب تعقیب از طرف مقامات جزایی می‌شود و گذشت شاکی خصوصی، تأثیری در کار رسیدگی دادگاه و اجرای حکم محکومیت ندارد. جرائم خصوصی، جرائمی است که تا مدعی خصوصی شکایت نکند، دادگستری آن را دنبال نمی‌کند و گذشت شاکی در توقف مجازات مؤثر است.

### مبحث دوم: طبقه‌بندی جرائم در حقوق اسلامی

- در حقوق اسلامی، غالباً تقسیمات مذکور وجود ندارد؛ ولی برای بسیاری از اقسام یاد شده می‌توان در کتب فقها، مثال‌های به دست آورد:
- ۱- جرائم موجب قصاص، حد، دیات، تعزیر؛
  - ۲- جرائم عمدی و غیرعمدی شامل: خطا و شبه عمد؛
  - ۳- جرائم مهم شامل: دماء، اعراض و اموال.
- اثر مهم این تقسیم این است که در جرائم مهم یعنی دماء، اعراض و اموال، برخلاف دیگر موارد که در شبهات بدویّه آن‌ها اصل برائت جاری می‌شود؛ در این‌گونه موارد، حتی در شبهات بدویّه باید احتیاط کرد و نمی‌توان اصل برائت جاری کرد. مثلاً فلان عمل واجب است یا نه؟ یا فلان کار حرام است یا خیر؟ اصل برائت می‌گوید، الزامی در بین نیست؛ ولی اگر نمی‌داند فلان شخص جایز القتل است یا نه؟ یا فلان مال از آن اوست یا نه به یقین نمی‌تواند او را جایز القتل یا مال را از آن خود بداند، بلکه برعکس باید احتیاط کند.
۴. تقسیم حقوق به حق الله محض مثل تکالیف عبادی و حق الناس محض مثل نفقه زن و فرزند و حقوقی که هر دو جنبه را داراست، مثل حرمت سرقت.

۵. تقسیم حقوق کیفری به حقوق مربوط به حفظ دین مثل کیفر ارتداد، حفظ عقل، مثل کیفر شرب خمر، حفظ نسل مثل کیفر زنا، حفظ نفس مثل کیفر قتل و حفظ مال مثل کیفر سرقت. هرچند دو تقسیم فوق به طور مستقیم به جرائم مربوط نیست؛ ولی ارتباط غیرمستقیم آنها به گناهان بر کسی پوشیده نیست.<sup>۱</sup>

### نتیجه

جرم زائیده حیات جمعی بشر است و چون ارتکاب آن موجب ایجاد اختلال در نظم حاکم بر جامعه می شود و موجب برانگیخته شدن واکنش جامعه می گردد که در قالب مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تجسم پیدا می کند. بدین ترتیب قوانین حاکم بر جامعه ملاک تشخیص و توصیف اعمال مخالف نظم و ارزش های حاکم بر جامعه است. بدین جهت با فقدان نص قانونی نمی توان ارتکاب هیچ عملی را - هرچند زیان بار هم باشد - جرم شمرد. بنابراین برای بررسی و تبیین ماهیت قانونی جرم به ناچار باید تعریف آن را صرفاً در چهارچوب ضوابط قانونی جستجو نمود. باین وجود، مواد قانونی در قوانین کیفری ایران و افغانستان تعریف مشخصی از ماهیت جرم ارائه نداده است؛ بلکه بیشتر اصل قانونی بودن جرائم را به تصویر کشیده است تا ماهیت جرم را.

واقعیت این است که با گسترش تعداد جرائم هم از حیث عمدی و غیرعمدی بودن و هم از حیث بین المللی و داخلی، دیگر نمی توان درک دقیق و تعریف مشخصی از ماهیت جرم را انتظار داشت. با این حال نزدیک ترین تعبیری که از ماهیت جرم می توان ارائه کرد، این است که جرم رفتار ناقض هنجارهای جامعه است که ممکن است جنبه داخلی یا بین المللی داشته و یا حتی در فضای مجازی تجلی پیدا کند.

در نظام حقوقی فعلی ایران و افغانستان تعریفی از جرم نشده است، مگر با تکرار ماده ۲ قانون مجازات اسلامی یا ماده ۲ و ۳ قانون جزای افغانستان که به موجب آن «هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به موجب قانون»؛ و «هیچ کس را نمی توان مجازات نمود مگر مطابق به

۱. ابوالقاسم گرگی، مقالات حقوقی، ج ۱، ص ۲۸۶ به بعد.

احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد». باین وجود مباحثی که در حقوق کیفری مطرح می‌شود، در واقع شالوده همه آن‌ها بحث از ماهیت جرم است؛ زیرا تبیین این ماهیت در تشخیص مصادیق اعمال مجرمانه تأثیر بسزایی دارد. در کتاب‌های حقوق جزا مباحث بسیاری در مورد ماهیت جرم مطرح شده است؛ اما کمتر به زوایای فلسفی به این بحث پرداخته‌اند، در حالی که جایگاه مهم این بحث در فلسفه حقوق است و جا دارد فلاسفه حقوق در این زمینه اظهار نظر نمایند.

در تقسیم‌بندی‌های جرائم، حقوق دانان اغلب به آثار زبان‌بار فعل مجرمانه توجه کرده است و جرائمی را که خسارات حاصل از آن‌ها به‌طور کلی دارای جهت مشترکی است، در یک گروه جای داده‌اند. به‌عنوان مثال جرائم سرقت، کلاه‌برداری، خیانت در امانت و... را که همگی تعرض به اموال و مالکیت است، در یک طبقه با عنوان جرائم علیه اموال و مالکیت مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. جرائمی از قبیل قتل و نقص عضو را به‌عنوان جرائم علیه اشخاص و جرائم دیگری مانند جعل، جاسوسی و... را تحت عنوان جرائم امنیت و آسایش عمومی قرار داده‌اند.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین، التوحید، بی جا، جامعه مدرسین، بی تا.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، چاپ نهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵ ش.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، چاپ اول، چاپ شانزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۵ ش.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، چاپ دوم، نجف الاشرف، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۰ ق.
- خویی، ابوالقاسم، تکمله منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق.
- راغب اصفهانی، معجم الفاظ القرآن، چاپ دوم، قم، طلعه نور، ۱۴۲۷ ق.
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، ۱۳۶۹ ق.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸ ش.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان جریده رسمی وزارت عدلیه، شماره ۸۱۸ کابل، ۱۳۸۲ ش.
- قانون مجازات اسلامی مصوب سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲/۲/۱ ش.
- قانون جزای افغانستان، جریده رسمی وزارت عدلیه، شماره ۳۴۷، کابل، ۱۳۵۵ ش.
- قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ ش.
- قیم، عبدالنبی، فرهنگ معاصر، چاپ هفتم، تهران، (نشر) فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷ ش.
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، ج ۱، ص ۲۸۶ به بعد.
- مجموعه قوانین دادگستری، ۱۳۷۹ ش.
- میلانی، علیرضا، نگرشی بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶ ش.
- نور بها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ ۲۳، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷ ش.